

اقتراحى بر نقشه دانشى مدیریت اسلامى

دکتر وحید خاشعی^۱

چکیده

نظریه‌ها در مدیریت گاهی در مقام حل مسائل سازمانی است، گاهی به دنبال نشان دادن تصویری از سازمان است و گاهی به منظور مستندسازی یک تجربه عملی و عینی است و گاهی نیز به دنبال فراهم آوردن چارچوب‌ها و نقشه راه‌هایی برای تفکر و خود دانش مدیریت است. در این کرسی نظریه نقشه دانشی مدیریت اسلامی نظریه به مثابه چارچوب بندی و ارائه نقشه راهی برای دانش مدیریت است. مسأله اصلی این پژوهش عبارتست از: فقدان نقشه راه برای تئوری پردازی در حوزه مدیریت اسلامی که سبب انسجام نظری و کارآمدی عملی باشد. لذا پنج سؤال کلیدی نیز در این پژوهش پاسخ داده می‌شود. سؤال اول: نظریه مختار در علم و معرفت علمی چیست؟ سؤال دوم: نظریه مختار در دین و معرفت دینی چیست؟ سؤال سوم: نظریه مختار در نسبت دین و علم اداره چیست؟ سؤال چهارم: نظریه مختار در روش شناسی مدیریت اسلامی چیست؟ سؤال پنجم: مسائل مدیریت اسلامی چیست؟ در این پژوهش انواع رویکردها در معرفت دینی بحث خواهد شد. نظریه دایره المعارفی در معرفت دینی، نظریه هرمنوتیکی فهم دینی و معرفت دینی، نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در معرفت دینی، نظریه گزیده گویی در معرفت دینی، نظریه معتزله و اشاعره در معرفت دینی و ... همچنین انواع رویکردها به علم الاداره اسلامی مورد بحث قرار گرفت که از آن جمله می‌توان رویکرد استنباطی (تاسیسی و امضایی)، رویکرد تهذیب و تکمیل، رویکرد التقاطی، رویکرد تطبیقی را نام برد. در حوزه روش شناسی هم در زمینه منابع معرفت و

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)،

هم در مورد حجیت هر کدام از منابع و نحوه تحلیل معرفت بحث و بررسی قرار گرفت. در زمینه مسائل مدیریت اسلامی می‌توان گفت: در سطح (ملی) حکومت و دولت، اخلاق کارگزاران نظام و فقه‌السیاسه را می‌توان مدنظر قرار داد. در سطح (تجارت) مالی و بازرگانی، اخلاق کسب و کار و فقه‌التجاره مدنظر می‌باشد و در سطح (سازمان) اداری، اخلاق اداری و فقه‌الاداره مورد نظر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نظریه دایره‌المعارفی، فقه‌الاداره، فقه‌التجاره، فقه‌السیاسه

مقدمه

تلقی و برداشت‌های مختلفی از نظریه و نظریه‌پردازی در جامعه علمی کشور وجود دارد. برخی نظریه را به مثابه عمل^۱ یعنی آنچه در حال وقوع است می‌پندارند. این عده معتقدند که نظریه چیزی نیست جز عمل مدیران و مجریان و بافت نظری به آنها دادن کار نظریه پرداز است. برخی نظریه را به مثابه تصویر^۲ واقعیات سازمانی و مدیریتی لحاظ می‌کنند و معتقدند در هر مقطعی تصویری غالب وجود دارد که نظریه همان تصویر و نحوه‌انگاره ذهنی مدیران و اندیشمندان علمی است. برخی نظریه را به مثابه چارچوب^۳‌های اندیشه می‌انگارند و نظریه‌پردازانی که نگاه پارادایمی به علم دارند و یا به دسته بندی سیر تفکر در هر حوزه علم الاجتماع می‌پردازند نظریه را به مثابه فراچارچوب اندیشگی تلقی می‌کنند. برخی دیگر نظریه را چیزی جز راه حل مسائل^۴ و مشکلات اجتماعی و سازمانی نمی‌پندارند و معتقدند نظریه یعنی آنچه بتواند دغدغه و مشکلی را از جامعه حل کند. این نگاه کارکردی به علم الاجتماع هم دائماً به دنبال مشکل‌گشایی از مسائل و مشکلات جامعه و سازمان‌ها می‌باشند. اما می‌توان نظریه را گونه‌ای دیگر نگاه کرد بدین معنا که برای خود علم که سوژه نظریه پردازی باشد دست به تامل و تفکر بزنیم به عبارت دیگر نظریه به مثابه نقشه راه^۵ و الگوی حرکت دانش و اندیشه ورزی باشد. این تحقیق به دنبال آن است که نقشه راهی برای دانش مدیریت اسلامی پیشنهاد و ارائه کند.

پژوهش‌هایی که در حوزه مدیریت اسلامی انجام می‌شود در هفت صیغه کلان قابل دسته بندی هستند.

❖ **پژوهش‌های با صیغه فلسفی:** این پژوهش‌ها، اغلب در صدد نقد مبانی نظری مدیریت غربی هستند و یا در صدد پرداختن به چارچوب‌های فلسفی در مدیریت اسلامی هستند.

❖ **پژوهش‌های با صیغه نظری:** این پژوهش‌ها، اغلب در صدد عرضه مفهوم نظری جدید و ساخت استعاره‌هایی متمایز از اندیشه غربی هستند و در آنها صیغه تعقل و نظریه پردازی پررنگ تر از مباحث قرآنی و روایی است.

1. Theory as practice

2. Theory as Image

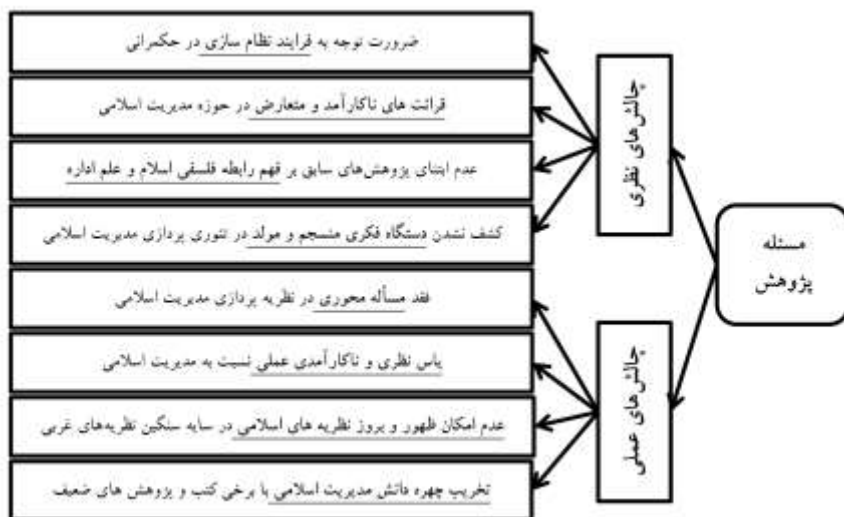
3. Theory as Framework

4. Theory as Problem solving

5. Theory as Roadmap

- ❖ پژوهش‌های با صبغه قرآنی: پژوهش‌هایی که با محوریت قرآن و تفاسیر قرآنی، تدوین شده است و در صدد نقد نظریه‌های غربی و یا تولید نظریه‌های جدید در حوزه مدیریت است.
 - ❖ پژوهش‌های با صبغه روایی: این پژوهش‌ها، موضوع و یا مسئله‌ای را با توجه به جوامع روایی، بررسی کرده‌اند. عمده این پژوهش‌ها، با تأکید بر کُتبی همچون نهج البلاغه و یا کتب روایی معتبر صورت گرفته‌اند.
 - ❖ پژوهش‌های با صبغه تاریخی: پژوهش‌هایی که بر بررسی شیوه‌های مدیریتی و حکومتی در زمان حکومت پیامبر اکرم و امام علی علیهما السلام متمرکز شده‌اند.
 - ❖ پژوهش‌های با صبغه فقهی - اجتهادی: پژوهش‌هایی که در صدد پاسخگویی به مسائل فقهی مبتلابه، با استفاده از میراث فقهی شیعه خصوصاً در عرصه‌های مدیریت مالی اسلامی صورت گرفته است.
 - ❖ پژوهش‌های با صبغه انقلاب اسلامی: با توجه به تجربه انقلاب اسلامی، سلسله پژوهش‌هایی نیز با محوریت بازپردازی اندیشه مدیریت اسلامی از خلال تجربه جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد که اشخاص تأثیرگذار را همچون امام خمینی، مقام معظم رهبری و یا شهدا، تجربه فرهنگ جهادی و ارزشی، دفاع مقدس، بسیج و نظایر آن، بررسی کرده‌اند.
- اما مسئله اصلی این تحقیق از دو نوع دغدغه شکل گرفته است که در نمودار ذیل ملاحظه می‌فرمایید:

اقتراحاتی بر نقشه دانشی مدیریت اسلامی ۶۰۱



نمودار ۱. مسئله اصلی پژوهش (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

بنابراین مسأله اصلی پژوهش فقدان نقشه راه برای تئوری پردازی در حوزه مدیریت اسلامی که سبب انسجام نظری و کارآمدی عملی می باشد. از این مسئله سئوالات ذیل قابل استخراج است:

- سؤال اول: نظریه منتخب در علم و معرفت علمی چیست؟
- سؤال دوم: نظریه منتخب در دین و معرفت دینی چیست؟
- سؤال سوم: نظریه منتخب در نسبت دین و علم اداره چیست؟
- سؤال چهارم: نظریه منتخب در روش شناسی مدیریت اسلامی چیست؟
- سؤال پنجم: مسائل مدیریت اسلامی چیست؟

بنابراین سلسله گام هایی که در این پژوهش برای ترسیم نقشه دانشی مدیریت اسلامی برداشته شده است به نمودار ذیل ترسیم شده است:



نمودار ۲. سلسله مراحل دستیابی به نقشه دانشی مدیریت اسلامی (منبع نگارنده، ۱۳۹۳)

در خصوص مدیریت اسلامی ما با دو رویکرد سلبی و ایجابی مواجه هستیم. رویکرد سلبی بدین معنا است که ما رسیده باشیم به بن‌بست‌های نظری و عملی در مدیریت کشور که بن‌بست‌ها، حکایت از این موارد سلبی دارد. یعنی رسیده باشیم به این که دانش مدیریت کشور چه در حوزه عمومی^۱ و چه در حوزه خصوصی^۲ (شرکت‌ها و بنگاه‌ها) ناکافی است و در حوزه عملی هم رسیده باشیم به اینکه راه اداره کشور در حال حاضر دچار کمبودهایی است که در واقع برای کارآمد ساختن اداره کشور ما باید راهکارهای عملی برای ناکارآمدی‌های موجود در اداره کشور داشته باشیم. یعنی ضرورت کار در مدیریت اسلامی حاصل دغدغه‌هایی است که از بن‌بست‌های نظری و عملی در علم مدیریت موجود به وجود آمده است. در واقع مدیریت اسلامی را از جنبه سلبی ناکارآمدی بنگاه‌ها و اداری کشور در حوزه عملی و ناکارآمدی و

1. public
2. Private

ضعف‌های تئوریک است؛ که این ضعف‌ها یا در حوزه مبانی و مفروضات دانش مدیریت موجودست و یا در حوزه پارادایم‌ها و جهان بینی‌های مدیریت موجود و یا در حوزه تئوریک و نظریه‌ها و یا در حوزه روشی است. یا در زیر ساخت‌ها و یا روبناها فلذا نگاه همه جانبه به این مسائل ما را در دغدغه‌مند می‌کند در حوزه مدیریت اسلامی کار کنیم. مهم‌ترین اشکال کارهایی که در حوزه مدیریت اسلامی تاکنون شده، عدم توجه به مسائل و مشکلات نظری و عملی مدیریت که بر دانش مدیریت منطبق است. خطبه حضرت امیر را تفسیر کردند، اصولی را از قرآن بیرون کشیده‌اند اما به هیچ عنوان سوار نشده بر دانش مدیریت در حوزه نظری و یا در حوزه عملی اداره امور کشور. برای مثال یکی از آیات قرآن را بیرون کشیدند و بر یکی از اصول مدیریت فعلی انطباق داده‌اند. کار جدی نشده است چرا که مبتنی بر مسائل و دغدغه‌های ما در حوزه نظر و عمل نبوده است. غرب بعد از رنسانس علم را در خدمت حل مسئله آورد و اگر علمی نتوانست برای انسان غربی حل مسئله کند و خوراک فکری و حکومت داری برای غرب حل نکند آن را دیگر علم نمی‌دانند و کنار می‌گذارند این‌ها بدین معناست که غرب علم را کاملاً کارکردی نگاه می‌کرد و می‌کند اما در این طرف ما در همین رشته تخصصی خودمان یعنی مدیریت خیلی کتاب‌های زیوری مدیریت اسلامی نوشته‌ایم به خاطر اینکه این مشکل در آن‌ها خیلی پر رنگ است. ما نیامدیم در حوزه مدیریت اسلامی کار جدی بکنیم که مبتنی بر مسائل و مشکلات بنگاه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌هایمان باشد تا مسئله را حل کند و نه در حوزه اجرا کاری انجام ندادیم که ناظر بیرونی بگوید حکومت اسلامی و یا کارهایی که در حکومت اسلامی در حال انجام است؛ الگو گرفته از نظریه اسلامی است و اتفاقاً کار را هم به نحو احسن حل کرده است. معمولاً مطالبی که به عنوان مدیریت اسلامی در می‌آید هیچ نسبتی با دانش نظری و عملی ما در حکومت داری مان پیدا نمی‌کند. موضع نفی بدین معنی است که ما پاسخ این سوال را بدهیم که در حوزه نظر و عمل به این نتیجه رسیده‌ایم که مدیریت فعلی ناکارآمد است یا خیر؟ اگر به این قائل نباشیم اصلاً مدیریت اسلامی بدرد نمی‌خورد. زمانی می‌توانیم در مورد مدیریت اسلامی صحبت بکنیم که یک یأس نظری و یا عملی به مدیریت فعلی در ناکارآمدی رسیده باشیم. این دل‌بستگی به مدیریت فعلی هم متأسفانه در درجه اول در نظریه پردازان و بعد از آن در مجریان کشور همچنان حضور

دارد. وقتی مجری نگاه می‌کند که من نظریه پرداز؛ از تکنیک کارت امتیازی متوازن^۱ برای حل مشکل استراتژی سازمان و بنگاه استفاده می‌کنم و می‌بیند روش بومی اسلامی جدی هم وجود ندارد خب او هم دلبسته به همین علم هر چند ناکارآمد می‌ماند. در حوزه نظر وقتی اساتید می‌بینند در هیچ کدام از حوزه‌های مدیریتی از بازاریابی و استراتژیک گرفته تا رفتار سازمانی و منابع انسانی هیچ کار جدی نشده که ملاک درسی خودش قرار دهد همین کتاب ترجمه‌ای غربی را روی میز می‌گذارد و شروع به درس دادن می‌کند. در سه دهه انقلاب اسلامی شما شاهد هستید که انواع مدل‌های مدیریتی که تنها برای حل مشکل بوده است به کار گرفته شده‌اند. زمانی بحث توسعه اقتصادی مطرح می‌شود و گفتمان غالب می‌شود و موضوع کارگزاری و کارگزاران مطرح می‌شود و بدنه سیاسی کشور هم همان جریان می‌شوند و مدیران با همان تفکر روی کار می‌آیند. آن می‌شود گفتمان صنعت، و بنگاه‌های ما و مدیریت اسلامی دیگر اهمیت ندارد آنجا فقط حل این مسئله است که اولویت دارد. انتظار می‌رفت در دهه ۸۰ کشور به این سطح از بلوغ رسیده باشد که باید تغییری در نگاه مدیریتی کشور حاصل شود، در این فضای گفتمانی موضوعاتی مثل اصل ۴۴، خصوصی سازی، قانون مدیریت کشوری، طرح تحول جامعه اقتصادی و خیلی از مسائل مدیریتی کشور در آن گفتمان معنا پیدا می‌کرد.

چارچوب نظری تحقیق

در این بخش سعی می‌شود استخوان بندی اصلی دستیابی به الگوی ایجابی مدیریت اسلامی را در ۵ گام کلیدی مورد تدقیق قرار دهیم:

گام اول، فلسفه علم: در این‌گام باید به دو سوال اساسی جواب داد. علم چیست و معرفت علمی چیست؟ یعنی فلسفه علم را مشخص بکنیم و بگوییم از علم چه تعریفی داریم؟ تعریف منتخب نگارنده از علم و معرفت علمی به اختصار عبارتست از: علم: باور صادق موجه^۲ و معرفت علمی عبارتست از معرفتی اعم از گزاره‌های عقل، نقل، تجربه و شهود است. چالش نظری علوم تجربی را در سه مقام گردآوری^۳ (کشف)،

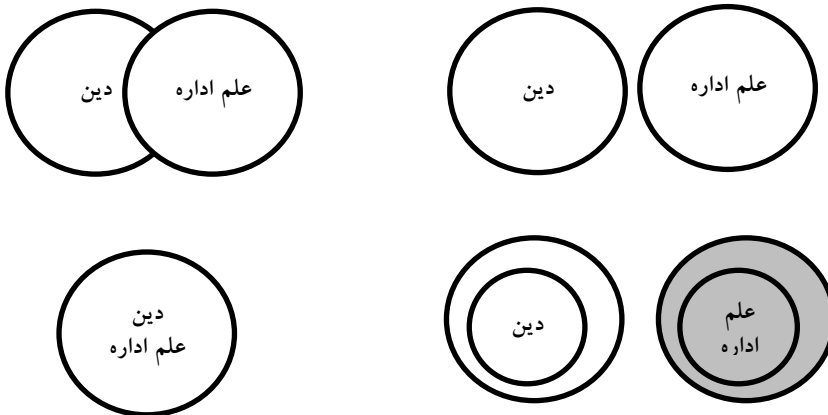
1. BSC :balance scored card
2. Justified Truth Belief
3. Discovery

داوری^۱ (قضاوت) و کاربرد^۲ نقش جهان بینی و ارزش‌ها وجود دارد. هم در مقام گردآوری ارزش‌های محقق در مشاهدات و پیش فرض‌هایش دخیل است. در مقام داوری هم ارزش‌ها در داوری و چارچوب‌های قضاوتی موثر است. در مقام جهت‌گیری و کاربرد علم هم نقش زمینه‌اسلامی و ارزشی بسیار کلیدی است.

گام دوم، فلسفه دین: در گام دوم باید فهیمد فلسفه دین چیست، تعریف دین چیست، انتظار از دین چیست، دین مأمور به پاسخگویی به چه نیازی است. در این زمینه هم نظریه‌های مختلفی هست، هم نظریه دایره‌المعارفی دین مطرح است و هم نظریه گزیده‌گویی، اینکه دین متولی و پاسخ‌گوی کلیات و جهت‌گیری است یا دین مسئول تمام ابعاد زندگی انسانی از تولد تا ممات و بعد از آن است یا نظریات دیگری در حوزه دین پژوهی مطرح است. به طور مختصر چهار نظریه مطرح و برجسته را می‌توان در این خصوص طرح کرد: نظریه دایره‌المعارفی در معرفت دین، نظریه هرمنوتیکی فهم دینی و معرفت دینی، نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در معرفت دینی و نظریه گزیده‌گویی در معرفت دینی. هر کدام از این نظریه‌ها به همراه دلایل آنها قابل بحث و بررسی است که در این مختصر نمی‌گنجد. نظریه منتخب محقق در این گام، نظریه دایره‌المعارفی در معرفت دینی است.

گام سوم، رابطه بین علم و دین (علم دینی): در این مرحله باید رابطه علم و دین را مشخص بکنیم. انواع ارتباطی که بین علم و دین است را باید مشخص بکنیم. آیا این ارتباط تباین است یا تعامل، وحدت است یا کثرت، حوزه‌ای که اخیراً در کشور ما با نام «علم دینی» زایش پیدا کرده است. و ما باید آن را در مدیریت بسط و گسترش بدهیم. در حوزه فلسفه علم و فلسفه دین ما اکنون به نظر رسیده‌ایم و در این گام سوم باید مرزبندی خودمان را مشخص بکنیم. مثلاً اگر اینجا به تباین برسیم و اینکه علم و دین ربطی به هم ندارند دیگر اصلاً بحثی به نام مدیریت اسلامی مطرح نمی‌شود. دیدگاه قائل به مدیریت اسلامی نگاه تعاملی بین علم و دین را پذیرفته‌است و اتفاقاً نگاه حداکثری به دین داریم نه حداقلی، یعنی نظریه دایره‌المعارفی دین را پذیرفته‌ایم. دین در تمام ساحت فردی و اجتماعی انسان ورود پیدا می‌کند. در گام سوم باید تکلیف ارتباط «معرفت دینی» و «معرفت علمی» نیز مشخص شود. بعد از تعیین رابطه علم و

دین؛ سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا معرفت علمی همان معرفت دینی است و یا نه یک معرفتی است که باید در ساحت معرفت دینی غریبال بشود؟ مثل کاری که شورای نگهبان با مصوبات مجلس می‌کند. اول انقلاب می‌گفتند نماینده مجلس باید مجتهد باشد و به علم روز هم احاطه داشته باشد تا دیگر اصلاً نیازی به فیلتر شورای نگهبان نباشد. الان نگاه ما به دانش مدیریت فعلی همین طور است. یک مصوباتی دارد دانش مدیریت جدید که ما باید با احادیث و روایات اسلامی صوابش را از ناصواب جدا کنیم. اما اگر قائل باشیم که این‌ها از ابتدا و سرچشمه باید اصلاح بشود. دیگر نیازی به فیلترهای بعدی نیست در حوزه علم دینی مشخص می‌شود. سوال سوم در گام سوم این است که رویکرد در علم دینی چگونه است؟ آیا رویکرد تاسیسی داریم؟ یا استنباطی داریم؟ یا امضایی؟ هر چه که از مدیریت آمده فقط نگاه می‌کنید و یک امضا پاش می‌زنید و تایید می‌کنید یا رد می‌کنید؟ و هر کدام از این‌ها هم در کشور ما هم قائلینی دارد. به طور کلی چهار رویکرد اساسی به علم مدیریت اسلامی وجود دارد که عبارتست از: رویکرد استنباطی (تاسیسی و امضایی)، رویکرد تهذیب و تکمیل، رویکرد التقاطی، رویکرد تطبیقی. به طور خلاصه نسبت شناسی دین با علم اداره و مدیریت را می‌توان به صورت ذیل تصویر کرد:



نمودار ۳. نسبت‌های دین با علم مدیریت، نسبت تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه، عموم و خصوص مطلق (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

گام چهارم، روش شناسی مدیریت اسلامی: متأسفانه در کشور در حوزه روش شناسی ضعف‌های جدی وجود دارد. به طور قطع می‌توان گفت تحول در علوم انسانی از

تحول در روش شروع می‌شود. یکی از مبادی تحول؛ تحول در روش است. کلیدی‌ترین معنا در روش شناسی تقریب به حقیقت است لذا هر روشی که ما را بیشتر به حقیقت نزدیک کند صلاحیت بیشتری دارد. باید بررسی بکنیم که کدام روش‌ها ما را به حقیقت قریب می‌کند و کدام روش ما را از آن بعید می‌کند. قرب و بعد به حقیقت علم باید ملاک کارکرد روش باشد چرا که فلسفه روش، حل مسئله و کشف حقیقت است. برای مثال بی توجهی به روش‌های کیفی و توجه ویژه به روش‌های کمی یکی از معضلات کشور است. ما نباید ابتدای امر در مدیریت اسلامی از روش‌های کمی استفاده کنیم چرا که این به التقاط می‌انجامد. باید ساحت و جایگاه هر روشی را در سیر کارمان بدانیم. در روش شناسی وقتی قائل شدیم به این که دین منبع معرفت است و قرآن و روایات می‌تواند معرفت‌زا باشد و گزاره‌های آن‌ها می‌تواند معرفت بخش باشد آن وقت روش‌های اصولی و تدبیری و تفهیمی می‌آید در بین دانش مدیریت قرار می‌گیرد چیزی که تاکنون وجود نداشته است و اتفاقاً این‌ها سبب می‌شود دانش مدیریت موجود گسترده بشود. چون تا به حال فقط تجربه را منبع معرفت می‌دانستند و حالا وحی و دین را هم جزو منابع می‌دانید پس منابع بیشتری در اختیار انسان قرار می‌گیرد. وقتی دین به عنوان منبع معرفت در نظر گرفته می‌شود، آنوقت روش‌های استنباط از دین هم در تحقیقات ورود پیدا می‌کند. یادگیری و آموزش این روش‌ها جا پیدا می‌کند در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما آموزش روش‌های فهم دینی نیز رواج می‌یابد. به عبارت دیگر افزایش منابع معرفت و تکثر روش در حوزه علوم انسانی کمک به کشف بهتر حقایق می‌کند.



نمودار ۴: منابع معرفت و میزان حجیت گزاره‌های معرفتی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

در روش‌شناسی مدیریت اسلامی برای گزاره‌های تجربی هم حجیت قائل هستند اما میزان خطا و اشتباه آنها محل تشکیک است. گزاره‌های تجربی قطع آور و یقینی نیستند و میزانی از احتمال خطا در آنها وجود دارد. گزاره‌های قرآنی و سنت قطعی همانند گزاره‌های عقل برهانی، قطع آور و یقینی هستند و بقیه منابع معرفت هم میزانی از خطا در آنها وجود دارد.

گام پنجم، مصداق‌شناسی و نمودهای مدیریت اسلامی و الگوها: در حوزه مصادیق می‌توان الگوهایی که در طول تاریخ اسلامی موفق عمل کرده‌اند را به عنوان تجربه‌های موفق تک‌نگاری کرد. سبک مدیریت پیامبر اسلام (ص) و سایر انبیاء، سبک و سیره امیر المومنین (ع)، سبک مدیریتی رهبران اسلامی همچون امام خمینی (ره)، تک‌نگاری نهادهای موفق و مفید همچون جهاد سازندگی، سیره مدیریتی و رهبری الگوهای موفق سرداران دفاع مقدس و مواردی از این قبیل می‌تواند مورد بررسی و مدل‌سازی قرار گیرد.

در زمینه مسائل مدیریت اسلامی نیز جداول ذیل مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به مطالب فوق، نقشه مدیریت اسلامی در سه سطح ملی، تجارت و سازمان از دو منظر فقه و اخلاق ترسیم و تبیین می‌گردد. در این نقشه، در سطح ملی، مباحث فقه‌السیاسه و اخلاق کارگزاران نظام معرفی می‌گردد. در سطح تجارت مالی و بازرگانی، فقه‌التجاره و

اقتراحی بر نقشه دانشی مدیریت اسلامی ۶۰۹

اخلاق کسب و کار دو حوزه تعیین کننده می باشند. و فقه الاداره و اخلاق اداری نیز در سطح سازمان، مولفه های اصلی این نقشه را تشکیل می دهند.

جدول ۱. ساحت های مدیریت اسلامی (نگارنده، ۱۳۹۳)

ساحت مدیریت اسلامی	فقه	اخلاق
سطح (ملی) حکومت و دولت	فقه السیاسه	اخلاق کارگزاران نظام
سطح (تجارت) مالی و بازرگانی	فقه التجاره	اخلاق کسب و کار
سطح (سازمان) اداری	فقه الاداره	اخلاق اداری

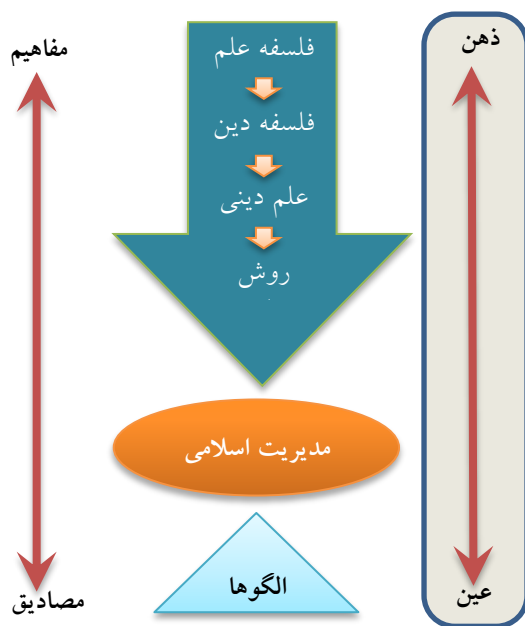
جدول ۲. نظام موضوعات قابل طرح در حوزه مدیریت اسلامی در سطوح مختلف (نگارنده، ۱۳۹۳)

ساحت موضوعات مدیریت اسلامی	فقه	اخلاق
سطح (ملی) حکومت و دولت	۱. ولایت فقیه ۲. حدود اختیارات دولت ۳. عدالت ۴. احکام جهاد و قضاوت و ...	۱. خصائص و ویژگی های کارگزاران ۲. رهبری اسلامی ۳. اخلاق حکمرانی
سطح (تجارت) مالی و بازرگانی	۱. احکام بیع و مکاسب ۲. احکام خیارات ۳. احکام عقود و ایقاعات ۴. قواعد فقهی تجارت بین الملل ۵. ابزارهای مالی اسلامی	۱. تعهدات و مسئولیت های تجاری ۲. نگرش های اسلامی در تجارت ۳. معنویت در تجارت
سطح (سازمان) اداری	۱. احکام روابط و ارتباطات سازمانی ۲. انواع مدیریت و رهبری در سازمان ۳. وظایف و اختیارات مدیریت	۱. رفتار اسلامی در سازمان ۲. معنویت سازمانی ۳. اخلاقیات و مسئولیت های منابع انسانی

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی بر این بود چارچوب و نقشه راهی برای دستیابی به دانش مدیریت اسلامی کشف کنیم. به نظر می رسد برای رسیدن به مدیریت اسلامی «دوک ذهن و عین؛ مصادیق و مفاهیم» بسیار راهنما است. اگر همزمان چهار گام اول بالا و گام پنجم به صورت همزمان از پایین انجام شود به الگوی مدیریت اسلامی خواهیم

رسید. کسی می‌تواند این الگو را پیاده سازی کند که از یک طرف درگیر مدیریت و مبانی اداره سازمان‌ها و کشور است و از سوی دیگر درگیر مبانی دانشی مدیریت است که شامل همان فلسفه علم، فلسفه دین و علم دینی و ... است که وقتی این دو سر دوک بهم پیوند پیدا کردند ما شاهد زایش الگوی مدیریت اسلامی خواهیم بود. و الا چیزی که تا به حال داشتیم یکی از دو سر این دوک بوده ولی هیچ موقع متصل نبوده است. تمام این فضایی که توصیف شد، با افرادی به نام «کارگزار تغییر» حاصل می‌شود کسانی که هم مجتهد هستند و هم تجربه علمی در حوزه دانش مدیریت. مجتهد علوم اسلامی و تجربه دانشی در حوزه مدیریت می‌تواند الگو را تولید نماید. افرادی مانند شهید صدر و شهید مطهری، شهید بهشتی. کسانی که خودشان در درون و درگیر اداره سازمان‌ها و کشور بوده‌اند.



نمودار ۵: فرایند رفت و برگشتی ذهن و عین در مدیریت اسلامی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

منابع

- دکتر مهدى گلشنى (۱۳۸۸). از علم سکولار تا علم دینى. تهران. پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى
- دکتر خسرو باقرى (۱۳۸۷). هویت علم دینى. نگاهی معرفت شناسانه به نسبت دین با علوم انسانى. تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى
- حسین بستان (نجفى) و همکاران (۱۳۸۷). گامى به سوى علم دینى؛ ساختار علم تجربى و امکان علم دینى. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- آیت الله جوادى آملی (۱۳۸۹). منزلت عقل در هندسه معرفت دینى. قم. انتشارات موسسه اسراء. چاپ پنجم
- آیت الله جوادى آملی (۱۳۸۹). شریعت در آینه معرفت. قم. انتشارات موسسه اسراء. چاپ ششم
- آلن اف. چالمرز (۱۳۸۳). چيستى علم؛ درآمدى بر مکاتب علم شناسى فلسفى. ترجمه سعید زبیا کلام. تهران. انتشارات سمت
- دکتر حسین سوزنجى (۱۳۸۹). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینى. تهران. پژوهشگاه مطالعات فرهنگى و اجتماعى
- حسن معلمى (۱۳۸۵). نگاهی به معرفت شناسى در فلسفه غرب، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، تهران
- حسن معلمى (۱۳۷۸). نگاهی به معرفت شناسى در فلسفه اسلامى، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، تهران
- حسن معلمى (۱۳۸۶). پیشینه و پیرنگ معرفت شناسى اسلامى، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، تهران
- دکتر على اصغر خندان (۱۳۸۸). درآمدى بر علوم انسانى اسلامى، انشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- دکتر مهدى على پور و دکتر سید حمید رضا حسنى (۱۳۸۹). پارادایم اجتهادى دانش دینى (پاد)، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بسیج دانشجویى دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۹۱). گفتارهایی در علم دینى، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- على اکبر رشاد (۱۳۸۹). منطق فهم دین، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، چاپ اول، تهران

- حسین بستان (نجفی) و همکاران (۱۳۸۷). گامی به سوی علم دینی؛ روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- دکتر محمد حسین جمشیدی (۱۳۸۷). مبانی و روش شناسی تبیین، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- دکتر احمد پاکتچی (۱۳۹۱). روش تحقیق با تأکید بر علوم قرآن و حدیث، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- سید مهدی زریباف (۱۳۹۰). تحلیلی بر سیر شناخت و روش شناسی علم اقتصاد، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- سعید رجحان (۱۳۹۰). مبانی استنباط در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه، جلد اول و دوم و سوم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۰). سیره نبوی دفتر سوم؛ سیره مدیریتی. تهران انتشارات دریا. چاپ چهارم
- مرتضی جوانعلی آذر (۱۳۹۱). سیمای سازمان از نگاه اسلام در پرتوی استعاره امانت، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۰). ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه. تهران انتشارات دریا. چاپ دوازدهم
- مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۰). دلالت دولت: آیین نامه حکومت و مدیریت در نهج البلاغه. تهران انتشارات دریا. چاپ دوم
- مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۰). رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهد نامه مالک اشتر. تهران انتشارات دریا. چاپ اول
- حجه الاسلام دکتر ولی الله نقی پور فر (۱۳۸۲). مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی
- حجه الاسلام ولی الله نقی پور فر (۱۳۷۵). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- صمصام الدین قوامی (۱۳۸۳). مدیریت از منظر کتاب و سنت. قم. دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- محمد حسن نبوی (۱۳۷۵). مدیریت اسلامی. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۷۹). پیش نیازهای مدیریت اسلامی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- رضا نجاری (۱۳۸۵). مبانی مدیریت اسلامی، انتشارات دانشگاه پیام نور

اقتراحى بر نقشه دانشى مدیریت اسلامى ۶۱۳

سید على اکبر افجه اى (۱۳۸۵) مدیریت اسلامى، انتشارات جهاد دانشگاهى دانشگاه علامه طباطبایى (ره)

دکتر علیرضا على احمدى و حجه الاسلام دکتر حسین على احمدى (۱۳۸۳). مبانى و اصول مدیریت اسلامى. تهران. انتشارات تولید دانش

دکتر محمد مهدى ذوالفقارزاده (۱۳۸۹). درآمدى بر مدیریت صالحین: رویکردى آینده نگر، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

دکتر محمد حسین هاشمیان (۱۳۹۱). استعاره راه، پرسش از هستى سازمان، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

دکتر جمیل جودت أبوالعینین (۲۰۰۲). اصول الإدارة من القرآن و السنه. چاپ اول. دار و مکتبه الهلال

سید محمد باقر صدر (۱۴۰۸). اقتصادنا، دارالتعارف للمطبوعات. لبنان

دکتر سید حسین میر معزى (۱۳۹۰). نظام اقتصادى اسلام. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى

دکتر سید حسین میر معزى (۱۳۹۰). فلسفه علم اقتصاد اسلامى. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى

دکتر سید حسین میر معزى (۱۳۹۰). اقتصاد کلان با رویکرد اسلامى. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى

